

معاملات مدیران شرکت‌های سهامی که مدت مأموریت آنها منقضی شده است؛ با سند رسمی

سید محسن پنجتانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۱۷

چکیده:

با توجه به مسؤولیت کیفری مدیرانی که مدت مأموریت آنها خاتمه یافته است به شرح ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت، معاملات رسمی آنها در دوران پس از تحقق جرم موضوع ماده ۲۵۴ فوق تعدی و تفریط و خطای مدنی تلقی می‌شود. لذا در صورت ایجاد ضرر برای شرکت، مدیران یاد شده مسؤولیت مدنی خواهند داشت و سر دفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی که با علم و اطلاع از انقضای مدت تصدی مدیران شرکت سهامی و تحقق جرم موضوع ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت، به ثبت معاملات که اموال شرکت را منتقل نموده یا اموال شرکت را مقید نماید، اقدام کنند از نظر انتظامی مسؤول خواهند بود. فلذا دفاتر اسناد رسمی، حق تنظیم و ثبت معاملات رسمی شرکت‌های سهامی خاص و عام بوسیله مدیرانی که مأموریت آنها خاتمه یافته، در مواردی که اموال شرکت منتقل شود و یاد رهن و وثیقه قرار گیرد، ندارند.

واژگان کلیدی: معاملات رسمی مدیران، شرکت سهامی خاص و عام، مسؤولیت کیفری، مسؤولیت مدنی، مسؤولیت انتظامی سر دفتران و دفتریاران.

۱- نویسنده مسؤول: سر دفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۴۹ مشهد و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «کانون».

مقدمه

یکی از موضوعات مهم حقوق تجارت که شفاف سازی و تجزیه و تحلیل دقیق آن ابهامات فراوانی را در انجام وظایف سردفتران و دفتریاران در دفاتر اسناد رسمی می‌زداید، تشخیص محدوده اختیار مدیران شرکت‌های سهامی که مدت مأموریت آنها منقضی شده است، می‌باشد. سؤال اساسی این است که آیا مدیران شرکت‌های سهامی پس از انقضای مدت مأموریت خود حق انجام همه گونه معاملات، حتی انجام معاملاتی که بموجب آنها اموال شرکت منتقل می‌شود و یا انجام معاملاتی که بموجب آنها اموال شرکت در رهن و وثیقه قرار می‌گیرد، دارد یا خیر؟ برای رسیدن به پاسخ صحیح لازم است چند بحث مقدماتی مطرح و مورد توجه قرار گیرد. اول، آثار معاملات مدیران که مدت مأموریت آنها خاتمه یافته نسبت به اشخاص ثالث را باید از آثار معاملات این مدیران نسبت به شرکت و سهامداران تفکیک نمود و دوم، توجه به مستند تحقق معاملات مدیرانی که مدت مأموریت آنها خاتمه یافته نیز اهمیت دارد. لذا حالتی که این معاملات بموجب سند عادی اعم از تجاری و غیر تجاری مانند برات و سفته و چک و قولنامه عادی را که صرفاً با دخالت مدیران مزبور و اشخاص ثالث انجام می‌شود، باید با حالتی که معاملات مذکور بموجب سند رسمی انجام شده و پای مقام صالح رسمی و میزان صلاحیت و وظایف او هم به میان می‌آید، متفاوت دانست و سپس محدوده اختیارات این مدیران را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد.

بخش اول مقاله در دو مبحث ارائه می‌شود؛ در مبحث اول، آثار معاملات مدیران مورد بررسی قرار می‌گیرد و مبحث دوم، به مستند تحقق معاملات مدیران خواهد پرداخت و بخش دوم مقاله نیز در دو مبحث، مدت تصدی و مأموریت مدیران شرکت‌های سهامی و همچنین محدوده اختیارات آنها قبل از انقضای مدت مأموریت و بعد از آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و نهایتاً بر اساس استدلال‌ات مطرح‌شده در دو بخش، نتیجه‌گیری به عمل آمده و پاسخ سؤال ارائه خواهد شد.

بخش اول: آثار معاملات مدیران شرکت‌های سهامی و مستند تحقق آن

مبحث اول: آثار معاملات مدیران

گفتار اول: آثار معاملات مدیران نسبت به اشخاص ثالث

قسمت اول: آثار معاملات مدیران نسبت به اشخاص ثالث در فرضی که سمت مدیران از نظر طرز انتخاب و

یا مدت آن قابل مناقشه نباشد:

معامله مدیران با اشخاص ثالث اصولاً صحیح است و نمیتوان به آن خدشه‌ای وارد نمود مگر این که یکی از عناصر اساسی قراردادها مانند اهلیت و یا قصد و رضا و غیره در آن مخدوش باشد که این موارد مطابق قواعد عمومی قراردادها قابل بررسی بوده و چون تجزیه و تحلیل آن در کتب حقوقی به صورت جامع انجام شده و اینک از حوزه تمرکز ما خارج است، به همین مقدار بسنده کرده و بیشتر از این به آن نمی‌پردازیم.

قسمت دوم: آثار معاملات مدیران نسبت به اشخاص ثالث در فرضی که سمت مدیران از نظر طرز انتخاب و

یا مدت آن دارای اشکال باشد:

معامله مدیران با اشخاص ثالث در این صورت نیز دارای اعتبار بوده و صحیح تلقی می‌شود مستند این ادعا ماده ۱۳۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می‌باشد. این ماده مقرر می‌دارد؛ کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمیتوان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها، اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست. همچنین مستند دیگر آن، قسمت آخر ماده ۱۱۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است که مقرر می‌دارد؛ محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه و یا بموجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است.

به علاوه رأی شماره ۱۷۷ مورخ ۷۴/۳/۲ شعبه ۶ دیوان عالی کشور نیز مؤید این ادعا است. طبق این رأی «هر چند بموجب احکام صادر از دیوان عدالت ادراى انتصاب مدیران دولتی شرکت غیر قانونی و باطل اعلام گردیده لیکن به موجب ماده ۱۳۵ لایحه اصلاح قانون تجارت کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل در مقابل شخص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر

عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنها را غیر معتبر دانست.^۱ بنابراین حتی اگر طرز انتخاب مدیران شرکت های سهامی باطل باشد و یا مدت آن منقضی شود، تصمیمات آنها در مقابل اشخاص ثالث معتبر بوده و شرکت نمی تواند به این بهانه، از انجام تعهدات پذیرفته شده شانه خالی کند. شایان ذکر است در این موارد نیز در صورت عدم رعایت قواعد عمومی قراردادها به شرحی که در قسمت اول گذشت، حق درخواست ابطال اعمال حقوقی منتفی نمی باشد.

قسمت سوم: معامله شرکت های سهامی قبل و بعد از توقف شرکت

بند اول: معامله مدیران شرکت های سهامی قبل از توقف:

پس از صدور حکم ورشکستگی محکمه باید طبق ماده ۴۱۶ ق.ت. تاریخ توقف تاجر را معین کند. منظور از توقف، وضعیتی است که شرکت یا تاجر ناتوان از پرداخت تعهدات نقدی خود می باشد چه این که بدلیل نداشتن مال ناتوان از پرداخت دیون خود باشد و چه این که مال داشته باشد و بدلیل عدم دسترسی به آن قادر به پرداخت دیون نقدی خود نباشد.^۲ این احتمال وجود دارد که تاریخ توقف سالها قبل از صدور حکم ورشکستگی معین شود ولی اگر تاریخ توقف در حکم معین نشده باشد، تاریخ صدور حکم، تاریخ توقف محسوب می شود. بنابراین معاملات تاجر به سه دوره تقسیم می شود.

۱- معاملات قبل از توقف ۲- معاملات بعد از تاریخ توقف تا صدور حکم ورشکستگی و

۳- معاملات بعد از صدور حکم ورشکستگی.

همانگونه که در قسمت اول اشاره شد، معاملات مدیران شرکت های سهامی قبل از توقف معتبر و لازم الاجرامی باشد اما در صورت حدوث ورشکستگی و توقف طبق ماده ۴۲۴ ق.ت. «هر گاه در نتیجه اقامه دعوا از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله ای نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است، آن معامله قابل فسخ است مگر

۱- محشی قانون تجارت، علیرضا میرزائی، انتشارات بهنامی، سال ۱۳۹۱، ص. ۸۶.

۲- حقوق تجارت، حسنی، نشر میزان، چاپ دوم، تابستان ۸۰، صص. ۶۰۴ و ۶۰۵.

این که طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد. دعوی فسخ در ظرف ۲ سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود» در صورت صدور حکم فسخ در مهلت قانونی، محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم طبق ماده ۴۲۵ ق.ت. مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارایی تاجر بین غرماً تقسیم شود، دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد. باید در نظر داشت که آثار در نظر گرفته شده برای حکم ورشکستگی نسبت به معاملات ورشکسته صرفاً از جانب هیأت بستانکاران قابلیت استناد دارد و ورشکسته و طرف معامله با او حق استناد به این آثار را ندارند.^۱

بند دوم: معاملات مدیران شرکت‌های سهامی بعد از توقف تا صدور حکم ورشکستگی:

معاملات تاجر در دوران بعد از تاریخ توقف تا زمان صدور حکم ورشکستگی اصولاً صحیح است و عدم منع را باید حمل بر صحت نمود اما در صورتی که معاملات مدیران در عداد اعمال ممنوعه مذکور در ماده ۴۲۳ ق.ت. باشد، باطل و بلاثر می‌باشد. طبق ماده ۴۲۳ ق.ت. «هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلاثر خواهد بود؛

۱- هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از این که راجع به منقول و یا غیر منقول باشد.

۲- تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

۳- هر معامله ای که مالی از اموال منقول و غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.»

بند سوم: معاملات مدیران شرکت‌های سهامی بعد از صدور حکم ورشکستگی:

معاملات مدیران شرکت‌های سهامی پس از اعلان آگهی ورشکستگی شرکت سهامی، باطل و بلاثر می‌باشد زیرا تاجر طبق ماده ۴۱۸ ق.ت. از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد، ممنوع است و نتیجه سلب اختیار مداخله تاجر در اموال، باطل و بلاثر بودن معاملات او بعد از اعلان حکم ورشکستگی است. با این حال، معاملات تاجر ورشکسته را قبل از اعلان در صورتی که در عداد موارد مذکور در ماده ۴۲۳ ق.ت. نباشد باید صحیح دانست. زیرا اشخاص ثالث قبل از اعلان حکم ورشکستگی اطلاعی از ممنوع المداخله بودن تاجر در اموال خود ندارند و اعلام بطلان این معاملات به حقوق آنها صدمه وارد

می نماید^۱ باید اذعان داشت در این خصوص نظر مخالف نیز وجود دارد.

گفتار دوم: آثار معاملات مدیران نسبت به شرکت و سهامداران:

معاملات مدیران در صورتی که در بردارنده منفعت سهامداران و شرکت باشد در چنین حالتی شرکت و سهامداران اعتراضی به این اعمال حقوقی نخواهند نمود ولی اگر مدیران اقدام به انجام معاملاتی بنمایند که به نفع اشخاص ثالث بوده و نسبت به آنها معتبر باشد اما همین معاملات نسبت به شرکت و سهامداران، ایجاد ضرر نماید آیا شرکت حق طرح دعوی علیه مدیران را دارد یا خیر؟ ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی سال ۱۳۴۷ مقرر می دارد «مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسؤول می باشند و دادگاه حدود مسؤلیت هریک را برای جبران خسارت تعیین خواهد کرد.»

طبق ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی سال ۱۳۴۷ «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیت دار می تواند به تقاضای هر ذی نفع هر یک از مدیران یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید» بنابر موارد فوق الاشاره در صورتی که مدیران با تخلف از مقررات قانونی یا تخلف از اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی معاملاتی انجام دهند که متضمن ضرر به شرکت باشد اشخاص ذینفع حق طرح دعوی علیه مدیران را دارند هر چند اصل معامله به لحاظ رعایت حقوق اشخاص ثالث نسبت به آنها معتبر باشد. اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در نظریه شماره ۷۱۴۳۸۸ مورخ ۱۰/۰۶/۱۳۷۸ در تأیید نظر بالا چنین اظهار می دارد؛ طرح دعوی صاحب سند، علیه شرکت به خواسته الزام به انجام تعهد و جاهت قانونی دارد. به لحاظ این که اشخاص رانمی توان مکلف کرد که با اطلاع از تمام مواد اساسنامه شرکت اقدام نماید اما این هم هست که اگر مدیر عامل رعایت مصوبات اساسنامه، مجمع عمومی و یا هیأت مدیره را نکرده باشد، شرکت می تواند پس از جوابگویی به متعهدله بر علیه مدیر خاطی طرح دعوی نماید.

۱- حقوق تجارت و ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، ربیعا اسکینی، انتشارات صحت، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۸۰.

مبحث دوم: مستند تحقق معاملات مدیران شرکت‌های سهامی

معمولاً تجار معاملات تجاری خود را با اسناد تجاری در معنای عام انجام می‌دهند مانند چک، سفته، برات، ضمانت‌نامه‌های بانکی و غیره. این اسناد از یک سو تابع قواعد عمومی قراردادها است و باید شرایط اساسی صحت معامله همانند قصد و رضای طرفین و اهلیت آنها و موضوع معین که مورد معامله است و مشروعیت جهت معامله، در مورد آنها رعایت شود. از سوی دیگر، در مورد اسناد تجاری مقررات شکلی مختلف وضع شده که عدم رعایت آنها تأثیر جزئی و یا کلی در حقوق دارندگان آن ایجاد خواهد نمود مانند نحوه تنظیم برات و نحوه اعتراض و واخواست آن. بنابراین اسناد تجاری دارای دو بعد می‌باشند؛ ۱- بعد ماهوی که مربوط به قواعد عمومی معاملات است و رعایت قواعد عمومی قراردادها، در این بعد لازم‌الرعایه است و ۲- بعد شکلی که شامل مقررات و تشریفات مربوط به حقوق اسناد تجاری است و باید رعایت شود. مع الوصف، اسناد تجاری جزو اسناد عادی می‌باشند و اسناد عادی غیر تجاری مشمول مقررات شکلی خاص نیستند و در خصوص آنها فقط رعایت قواعد عمومی قراردادها، لازم‌الرعایه است.

در صورتی که معاملات مدیران به موجب اسناد عادی تجاری و یا سایر اسناد عادی انجام شود، این گونه معاملات مستقلاً توسط شرکت و شخص ثالث انجام می‌شود و نیازی به دخالت مأمور رسمی دولت نیست. اما در صورتی که معاملات مدیران شرکت‌های سهامی به موجب سند رسمی انجام شود، در این صورت، علاوه بر متعاملین مأمورین ذیصلاح و رسمی یا سردفتران و دفتریاران در احراز صحت انجام معامله ایفای نقش خواهند داشت و همچنین اداره ثبت در پاسخ به استعلامات صادره از سوی دفاتر اسناد رسمی مداخله خواهند نمود. لذا معامله مدیران به موجب سند رسمی را باید از معامله این مدیران با سند عادی متمایز نمود. در مورد اسناد رسمی، مأمورین رسمی مکلفند مانع نقض مقررات قانونی و مندرجات اساسنامه شده و رعایت مقررات ماهوی و شکلی و صحت سند رسمی را تضمین نمایند و کوتاهی آنها از انجام وظایف قانونی، خطای مدنی محسوب می‌شود.

بخش دوم: مدت تصدی و مأموریت مدیران شرکت‌های سهامی و محدوده اختیارات آنها

مبحث اول: مدت تصدی و مأموریت مدیران شرکت‌های سهامی

طبق بند ۱۵ ماده ۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ «تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مدیریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفا می‌کنند یا محجور یا معزول یا به

جهات قانونی ممنوع می گردند» باید در طرح اساسنامه درج شود و طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضای مؤسسين برسد.

ماده ۱۰۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر می دارد؛ مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است. تردیدی نیست که اساسنامه می تواند مدت مدیریت مدیران را کمتر از دو سال تعیین نماید اما اعتبار بخشیدن به مدت مدیریت مدیران برای بیش از دو سال، طبق ماده ۱۰۹ ممنوع است. به عبارت دیگر، ماده ۱۰۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت به عنوان یک قانون امری، مدت تصدی و مأموریت مدیران شرکت سهامی را به دو سال محدود نموده است. طبق ماده ۱۰۸ لایحه اصلاحی، اولین مدیران شرکت سهامی توسط مجمع عمومی مؤسس و مدیران بعدی توسط مجمع عمومی عادی انتخاب می شود. از آنجا که طبق ماده ۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت مؤسسين باید اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضای کلیه مؤسسين رسیده باشد، در تهران به اداره ثبت شرکتها و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتها و در نقاطی که دایره ثبت شرکتها وجود ندارد، به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. لذا می توان گفت مسؤلان اداره ثبت و تبعاً دفتر اسناد رسمی که بعداً در مورد شرکت و صاحبان امضا از اداره ثبت استعلام خواهد کرد از اعتبار بخشیدن به نمایندگی قراردادی مدیران برای مدتی بیش از دو سال منع شده اند، به همین دلیل، ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت اصطلاح مدیران سابق را در مورد مدیرانی که مدت تصدی آنها منقضی شده است، بکار برده است. بنابراین در پایان مدت دو سال یا مدتی که در اساسنامه قید شده است، بعد قراردادی تصدی مدیران منتخب خاتمه یافته و آنها مدیران سابق شرکت می باشند.

مبحث دوم: محدوده اختیارات مدیران شرکت های سهامی در مدت مأموریت و پس از آن

گفتار اول: محدوده اختیارات مدیران شرکت های سهامی در مدت مأموریت

مدیران شرکت های سهامی در مدت مأموریت خود طبق ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت دارای اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند و اختیارات مدیران ممکن است طبق؛

۱- مقررات قانونی

۲- یا اساسنامه

۳- یا مجمع عمومی عادی و یا فوق العاده محدود شود

۴- همچنین مدیران مکلف به رعایت موضوع شرکت می‌باشند.

به غیر از محدودیت‌های چهارگانه فوق، مدیران دارای اختیارات کامل و لازم برای اداره شرکت می‌باشند.

گفتار دوم: محدوده اختیارات مدیران سابق

ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر می‌دارد؛ در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسؤؤل امور شرکت و اداره آن خواهند بود.

اولین نکته: قابل توجه این است که با انقضای مدت مدیریت مدیران شرکت‌های سهامی ماده ۱۳۶ از اطلاق کلمه مدیر به آنها خودداری نموده و آنها را به عنوان مدیران سابق نامیده است. دومین نکته این است که ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت در مقام بیان حدود اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی در مدت مأموریت آنها است. این ماده هیچ حکمی در خصوص اختیارات مدیران سابق یا مدیرانی که مدت مأموریت آنها خاتمه پیدا کرده است، ندارد. لذا استناد به این ماده برای تبیین اختیارات مدیران سابق، نادرست است.

نکته سوم این است که ماده ۱۳۶ مقرر می‌دارد که مدیران سابق کماکان مسؤؤل امور شرکت و اداره آن خواهند بود. در این ماده، اختیارات مدیران را تبیین نمی‌کند بلکه مسؤولیت آنها را توضیح می‌دهد. پس آنچه باید ترسیم شود، مسؤولیت مدیران سابق است نه اختیارات مدیران در زمان پس از انقضای مدت مأموریت. بدیهی است وقتی مسؤولیت مدیران سابق ترسیم شود، آنها فقط در محدوده اجرای مسؤولیت‌هایشان از اختیارات قانونی نیز بهره‌مندند نه بیشتر از آن:

قسمت اول: مسؤولیت کیفری و مدنی مدیران سابق در صورت عدم تشکیل مجمع عمومی و ارائه

حساب عملکرد دوران تصدی

طبق ماده ۳۱ ق.م.هر گاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد، مثل مستودع است. بنابراین مستأجر نسبت به

عین مستأجره قییم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آنها ضامن نمیباشد مگر در صورت تعدی و تفریط. و از تاریخ مطالبه و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسؤول تلف و هر نقص و عیبی خواهد بود اگر چه مستند به فعل او نباشد. مدیران سابق پس از انقضای مدت مأموریت مادامی که به وظایف قانونی دیگر خود عمل نمایند طبق ماده ۳۱ ق.م. در صورت عدم تعدی و تفریط ید آنها بر شرکت امانی بوده و مسؤولیتی در خصوص ضرر و زیان احتمالی شرکت ندارند.

نظر به این که هیأت مدیره شرکت سهامی باید پس از انقضای سال مالی، صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مزبور تنظیم کند، اسناد مذکور در ماده ۲۳۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت باید اقلأ بیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود و در صورتی که هیأت مدیره شرکت سهامی حداکثر تا شش ماه پس از پایان سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکند و یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت را به موقع تنظیم و تسلیم ننماید، طبق ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دو بیست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. این تکلیف به طریق اولی در مورد مدیران سابق نیز مصداق دارد. بنابراین در صورت عدم انجام تکلیف قانونی مزبور توسط مدیران سابق پس از انقضای این مدت، ید امانی مدیران سابق به ید ضمانی تبدیل می شود و آنها مسؤول ضرر و زیان شرکت حتی در صورتی که مستند به فعل آنها نباشد، خواهند بود. طبق ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت؛ در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیت دار میتواند به تقاضای هر ذینفع، هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید.

قسمت دوم: تأثیر مسؤولیت کیفری و مدنی مدیران سابق در تعیین محدوده اختیارات آنها برای تنظیم سند رسمی

مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری مدیران سابق به شرح مواد ۶۳۱ ق.م.و ۲۵۴ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت که شرح آن در قسمت اول این گفتار گذشت، مبین این نکته است که تداوم اداره شرکت توسط مدیران سابق و عدم تشکیل مجامع عمومی از نظر قانونگذار ممنوع و مشمول مجازات حبس و جزای نقدی و جبران ضرر و زیان می‌باشد. با این حال، مدیران سابق مادامی که به وظایف قانونی خود عمل نکرده و شرکت را به مدیران جدید تحویل ندهند، طبق ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت کماکان مسؤول امور شرکت و اداره آن خواهند بود و اختیارات ناشی از این مسؤولیت شامل نقل و انتقال اموال و ترهین و توثیق اموال شرکت نمی‌شود. زیرا اداره وضع موجود شرکت با انتقال و ترهین اموال شرکت ملازمه ندارد. فلذا تنظیم سند رسمی انتقال و ترهین اموال در صورتی که متضمن ضرر به شرکت و سهامداران باشد، خطای مدنی بوده و موجب مسؤولیت مدنی است و در هر صورت، به لحاظ عدم رعایت نظامات قانونی، مسؤولیت انتظامی منتفی نخواهد بود. با این حال، مواردی همچون تهیه مواد اولیه برای کارخانه و پرداخت حقوق و حفظ و نگهداری از اموال شرکت را که لازمه اداره شرکت و اجرای مسؤولیت مدیران است، باید جزو اختیارات مدیران سابق دانست.

نتیجه:

۱- معاملات رسمی مدیران شرکت سهامی که مدت مأموریت آنها منقضی شده است، باید از معاملات غیر رسمی آنها تفکیک نموده و متفاوت دانست. زیرا در تنظیم معاملات رسمی شرکت‌ها، سردفتران و دفتریاران و مسؤولان ادارات ثبت اسناد و املاک به عنوان مأمور رسمی و صلاحیت‌دار دولت دخالت می‌نمایند در حالی که معاملات غیر رسمی فقط بین متعاملین انجام می‌شود و مأمورین رسمی در آن نقشی به عهده ندارند.

۲- طبق ماده ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت، معاملات مدیران شرکت‌های سهامی در صورتی که مدت تصدی آنها منقضی شده باشد و یا طرز انتخاب آنها غیر قانونی باشد نسبت به اشخاص ثالث معتبر است. ضمناً مدیرانی که مدت تصدی آنها منقضی شده است، طبق ماده

۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت مدیران سابق نامیده می‌شوند.

۳- در صورتی که مدیران سابق شرکت سهامی حداکثر تا شش ماه پس از پایان سال مالی مجمع عمومی، صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت را به موقع تنظیم و تسلیم نمایند، طبق ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت به مجازات حبس یا جزای نقدی و یا هر دو محکوم خواهند شد.

۴- در صورتی که مدیران سابق شرکت سهامی با تخلف از مقررات قانون یا اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی شرکت، معاملاتی انجام دهند که در مقابل اشخاص ثالث معتبر ولی نسبت به شرکت و سهامداران تعدی و تفریط محسوب شود و موجب ضرر شرکت یا سهامداران باشد، طبق ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت، مشترکاً و منفرداً مسؤولیت مدنی خواهند داشت.

۵- با توجه به مسؤولیت کیفری مدیران سابق به شرح ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت، معاملات رسمی آنها در دوران پس از تحقق جرم موضوع ماده ۲۵۴ فوق تعدی و تفریط و خطای مدنی تلقی می‌شود. لذا در صورت ایجاد ضرر برای شرکت و سهامداران، مدیران یادشده مسؤولیت مدنی خواهند داشت.

۶- سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی که با علم به انقضای مدت تصدی مدیران شرکت سهامی و تحقق جرم موضوع ماده ۲۵۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت، به ثبت معاملاتی که اموال شرکت را منتقل نموده یا اموال شرکت را مقید نماید، اقدام کنند از نظر انتظامی مسؤولیت خواهند داشت و در مورد ثبت معاملاتی که انجام آن منحصرأباً به موجب سند رسمی ممکن است، در فرض ایجاد ضرر، مسؤولیت مدنی خواهند داشت.

۷- بنابراین سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی حق تنظیم اسناد و ثبت معاملات رسمی شرکت‌های سهامی خاص و عام را که به موجب آنها اموال شرکت منتقل گردد و یا در رهن و وثیقه قرار گیرد توسط مدیرانی که مدت تصدی و مأموریت آنها منقضی شده است، ندارند.